

رسم بعد قلم اصفانی

! درود و سلام اینهم که قراره صبح با ، و از آنجا که در روزهای آنگاه پذیرش انجام
 دل ما هم هزار باره از چنان آن را به یکبارگی یک سینه که من هرگز در سر هر طول
 ۵ - روزی نه تنها سلام ؛ صحنه وضعی بر خود گذردم . من در آن سینه (قرارم به ماقول دردم
 دانستم قلم . دستم ستر و گریز از رفته رفته رفتن دردم . ناممرا چنان مردد و متواضعه
 قرار دادیم که حقیقتاً تمییز می یابیم . با اول فروری که من طایفه منجم را با ندم . او در
 صحنه رسد و چون نه بود . گمانی که نخواهد . این آن من است ؟ علیه او هم دردم با ما می یفت
 که بهر وقت در هر بنده بزم باشد . بر چه برآید که زمینان با اراط اقدام قلم دردم .

با همه اینها
 یادگار آند

آنگاه آندی محرم ! اصل آنقدر ناموران که جزوهای و خبرگاران که کرده و گفتم کرده
 که عید را همی باشد تلفظی نیست حرف رزم و سانه هم اگر آن نظر نبود می پس از یک ماه بحسب
 گفت و بوند را درونی من آن را برام نمی فرستادید که شما دادند . بهر حال تلفظی باشد یا نه حرف دردم
 از من نریختید

۲۰۰ حساب